

ایینه پژوهش

سال سی و چهارم، شماره پنجم
آذرودی ماه ۱۴۰۲
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۳

۲۰۳

دوماهنامه
آینه پژوهش

سال سی و چهارم، شماره پنجم
آذرودی ماه ۱۴۰۲

Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.34, No.5 Dec 2023 - Jan 2024

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

203

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

چاپ نوشت (۱۰) | نسخه شناسی مصاحف قرآنی (۱۷) | تکفیر اهل قبله بین نفی و اثبات | نسخه خوانی (۳۶) | مثل های مشترک فارسی و عربی رایج در سوریه | سلطان احمد جلایر و سلطان سخن، سعدی | طومار (۲) | نامه علامه محمد قزوینی به نشریه سلفی | هورقلیا در حکمت متعالیه | نوشتگان (۴) | نسخه نویافته رباعیات اوحدالدین کرمانی | فواکه البساتین اثر حاج میرزا محمد طهرانی | رباعی «کم گوی و به جز مصلحت خویش مگویی...» از خواجه نصیرالدین طوسی نیست | عهد کتاب (۲) | به مناسبت انتشار جلد پایانی دایرةالمعارف تشیع | اسطوره بخارا | تأملی در مقاله «بررسی و نقد ترجمه قرآن کریم حجت الاسلام والمسلمین محمد علی کوشا» | نکته، حاشیه، یادداشت

اعتبارسنجی «النساء نواقص العقول»
در نهج البلاغه

پیوست آینه پژوهش |

مجموعه‌های چاپ شده: از تخصص گدیزی
تا: رسول حضرت زینا | سید علی بابا
گلزار | احسان مصطفی خاکی
علی را | حسین موسوی خاکی
حسنین نوقشی | بیژان بیگلری
قصید علی میرزاقلی
حسن | محسن احمدی
عاشق زاری | حسین خندان
رحیمی و زاری | محمد قندهاری
طاهر



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش

Jap.isca.ac.ir

نسخه خوانی

(۳۶)

رسول جعفریان

| ۹۷-۱۱۲ |

Manuscript Reading 36
Rasoul Jafariyan

In this current writing as the 36th part of the «Manuscript Reading» series, the author provides a comparative analysis of several manuscripts. The texts covered in this issue are as follows:

1. A Brief Travelogue to the Holy Shrines
2. The Death Date of Sheikh Morteza Ansari
3. The Onslaught of Locusts in the Year 1254 AH in Karbala and 1267 AH in Shiraz, Narrated by an Eyewitness
4. «The Western Apparent Justice» a sign of Imam Zaman's Appearance
5. A Book in the Handwriting of Aḥsāi in the House of Seyyed Kāzīm Rashtī
6. A Treatise on the Table of Knowledge of Dates, Written in the Year 961 AH
7. The Death Date of Mohammad Shah Qajar
8. A Note from Abolqasem Tughri Yaghmaei
9. A Supplication for Relief from Grief and Sorrow, Dated 1264 AH
10. A Note from Zanjan, Dated 1337 AH

نویسنده در نوشتار حاضر در قالب سی و ششمین سلسله انتشارات با عنوان نسخه خوانی، متن چند نسخه را مورد مذاقه قرار داده است. این متون بدین شرح اند:

- سفرنامه چند خطی به عتبات
تاریخ درگذشت شیخ مرتضی انصاری
هجوم ملخ ها در سال ۱۲۵۴ ق در کربلا و ۱۲۶۷ ق در شیراز از زبان یک شاهد عینی
«عدالت ظاهریه فرنگی ها» از علایم ظهور کتابی به خط احساسایی در خانه سید کاظم رشتی
رساله جدول معرفت تواریخ در سنه ۹۶۱ نوشته شد
تاریخ درگذشت محمد شاه قاجار
یادداشتی از ابوالقاسم طغری یغمایی
استکتاب برای رفع غم و غصه از سال ۱۲۶۴ ق
یادداشتی از زنجان سال ۱۳۳۷ ق

سفرنامه چند خطی به عتبات

این سفرنامه چندخطی از سال ۱۰۸۶-۱۰۸۷ از کسی است که از هند به سفر عتبات رفته و بازگشته است. متن یادشده در مجموعه‌ای که غالب رسائل آن تجوید و در کتابخانه مجلس است (ش ۱۸) فریم ۴۸ درج شده است:

تاریخ مبدأ سفر عتبات عالیات روز سه‌شنبه ۲۷ شهر محرم الحرام ۱۰۸۶ و تاریخ داخل شدن در بندر سورت ۱۷ ذی‌قعدة من السنة المذكورة، هلال شهر محرم الحرام ۱۰۸۷ در بروج دیده شد، و در ۸ شهر محرم الحرام به گجرات که احمدآباد است واقع شد.

اسامی منازل از گجرات تادهلی که شاه‌جهان آباد است: آلاریج، پانیسر، میثانه، سیدپور، بالنیور، و انتیوار، پانتیوار، بدکام، مَدَره، جالور، گندب، دوندارا، کانکارا، دوکی، کاتلو، بی‌پال، بی‌تین، مرته، پالیدی، بکری، کنیج، سامر، اورچب‌نر، تالادره، منهورپور، بَرنگر، کودپودار، بَدُو، زواری، باتادی، سدای اللهوردی‌خان.

ورود به شاه‌جهان آباد ۲۲ شهر صفر سنه ۱۰۸۷ واقع شد، و الیک التوفیق رب.



از مبدأ سفر تا اواسط شهر رجب من السنة المذكورة در خدمت آخوند ملا ابوالحسن سلمه الله تعالى رفیق بودیم.

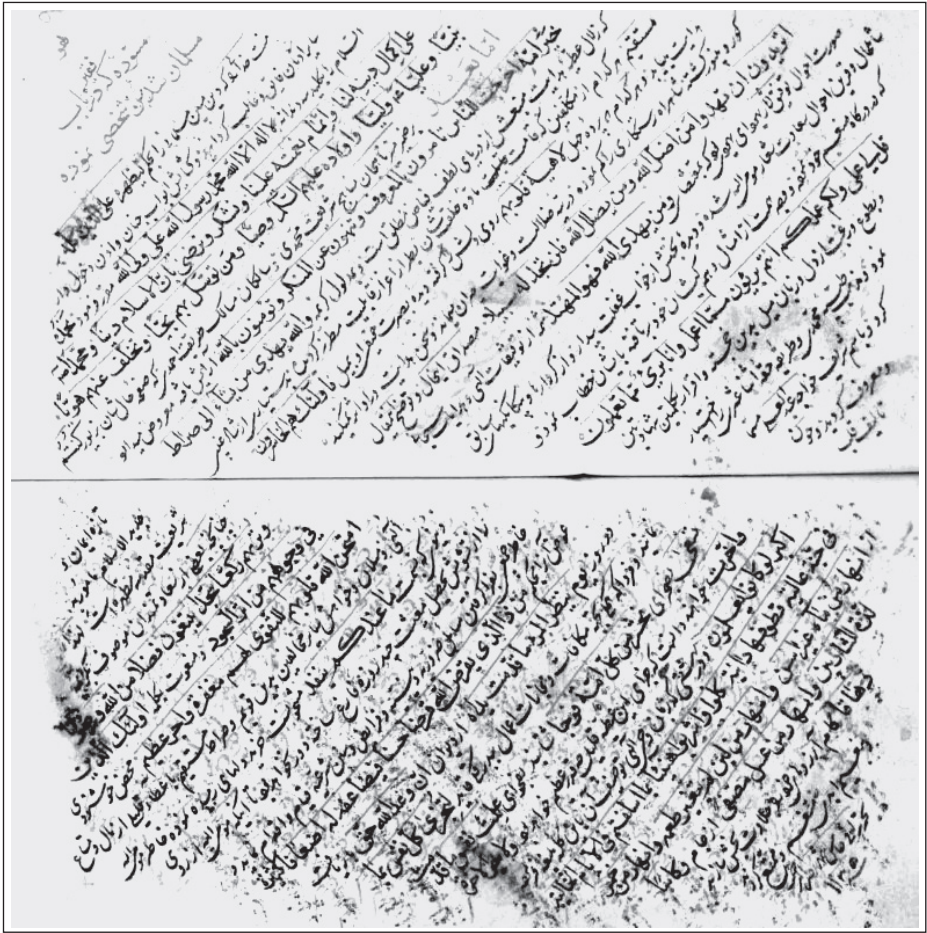
این متن که در کانال من منتشر شد، دکتر وجیه الدین از گجرات اصلاحیه ای برای آن فرستادند در تصویر زیر آمده است. دوستی که تصویر زیر را فرستاد این توضیح را هم آورد: پروفسور دکتر وجیه الدین، مدیر پیشین و استاد گروه گروه فارسی «دانشگاه مهاراجا سایاجی» در شهر بَرودا، ایالت گجرات هندوستان هستند.

درباره اسامی منزل ها ایشان با همکارانش در گروه باستان شناسی هم صحبت نمودند. دکتر وجیه الدین فرمود با توجه به اینکه برخی از نام ها در گذشته دارای تلفظ دیگری بوده است، اسامی درست برخی منزل ها به این ترتیب است که ایشان لطف فرموده روی کاغذ مرقوم داشتند.

در ضمن ایشان گفتند که در نسخه خطی نوشته شده «به گجرات که احمدآباد» است. در صورتی که از زمان های خیلی قدیم بندر سورت + بهروج + احمدآباد همگی در خود گجرات بوده اند.

اما توضیح دکتر وجیه الدین:

محمد الحرم ۱۰۸۷ در بهروج دیده شد در ۸ شهر محرم الحرم قدم
بهر بجزرت که احمد آباد است واقع شد اسامی منازل از بجزرت تا
دول که شاه جهان آباد است آلدرتج پانسر پیمان
سید پور (سپور) پالنپور (پالن پور) دانستواره پانستواره
برگام ~~بهر~~ جالور کذب دندارا کاتکارا دوکی ماتلو
بی پال بی تن مرت پالری (پالری) بگری کنبج سامر
اور جب نر تالادره ~~منه پور~~ منه پور منه پور
بر نگر کور پور برور (رواری) باتاری
(پنودی) سرای الله وردی خان ورود شاه جهان آباد

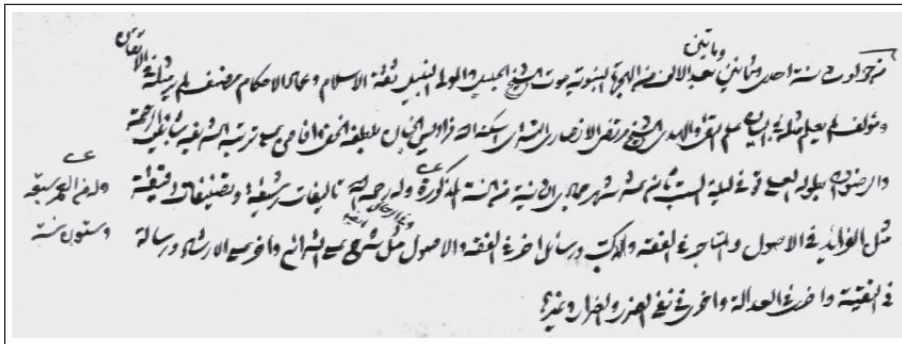


تاریخ درگذشت شیخ مرتضی انصاری

من حوادث سنة احدى وثمانين وماتين بعد الاف من الهجرة النبوية موت الشيخ الجليل و المولى النبيل، ثقة الاسلام و عماد الاحكام، مصنف لم يرمثله في الاتقان و مؤلف لم يرمثله في البيان، علم التقى و الهدى، الشيخ مرتضى الانصارى التستري، اسكنه الله فراديس الجنان بلطفه الخفى و افاض مع تربته الشريفه شايب الرحمة و الرضوان بطوله العلى.

تُوِّفى ليلة السبت ثامن عشر شهر جمادى الثانية من السنة المذكورة، و له من العمر سبعة و ستون سنة،

وله رحمه الله تأليفات رشيقة و تصنيفات دقيقة مثل الفوايد فى الاصول و المتاجر فى الفقه و له [كتب و رسائل احرفى الفقه و الاصول و فى الرجال ايضا، مثل شرحه على الشرائع، و اخر [شرحها] على الارشاد، و رسالة فى التقية و اخرى فى العدالة، و اخرى فى نفى الضرر و الضرار و غيرها] (روى صفحه نخست نسخه ش ۱۴۹۳۵ مجلس)



هجوم ملخ ها در سال ۱۲۵۴ ق در کربلا و ۱۲۶۷ ق در شیراز از زبان یک شاهد عینی

علی اصغر بروجردی (۱۲۳۱ - متوفای بعد از ۱۳۰۰ ق) در کتاب نور الانوار (چاپ ۱۲۷۵ ق)، ضمن برشمردن علایم ظهور، از هجوم ملخ به عنوان نشانه سی وسیم یاد کرده و در آنجا از مشاهدات خود درباره هجوم ملخ ها در کربلا و شیراز یاد کرده است.

سی وسیم: آمدن ملخ بسیار و جراد منتشر بی شمار است در وقت و غیر وقت آن که موجب تضرر ناس از عوام و خواص شود.

در سنه ۱۲۵۴ چنان هجوم جیوش و جنود جراد منتشر را در کربلای معلی داعی ملاحظه نمودم که نشانه از اجرده قبطیان بود، به حدی که در خانه ها و بازار و کوچه ها و ابدان، دواب و انسان را فرو گرفته بودند که از جهات سته، بجز جراد منتشر چیز دیگری مرئی نمی شد.

و در سنه یک هزار و دویست و شصت و هفت [۱۲۶۷ ق] هم در شیراز جراد منتشر بی پایانی به عرصه ظهور رسید، به حدی که مجموع توابع و لواحق و محالات او را خالی نگذاشته، حتی بیلاقات آنجا را که به حسب عادت نباید برود؛ و به شدتی ظهور بهم رسانید که تا پنج سال در همانجا تخم و بچه می گذاشتند، و به عوض تخم گندم و جورا از زمین برمی داشتند. به قسمی شد که قحط و غلا بهم رسید، و در آن مدت کسی در آن شهر رنگ گندم و جو خام را ندید، چه جای آنکه نان پخته او را ببیند، یا بوی او را استشمام [کند]. بالاخره خوراک مردم، نان ذرت بود. و به انواع و اقسام از گرفتن و سوزانیدن و چاه های عمیق کردن و پر کردن از جراد، و سرا و پوشانیدن، در صدد مدافعه او برآمدند، و خیال می کردند که جنود الهی تمام [شد]، باز سال دیگر از سال قبل بیشتر و شدیدتر که هروقت پیدا می شدند، و از جایی به جایی حرکت، جرم آفتاب را پوشانیده، به مثابه ابر غلیظ با رعدی در میان زمین و آسمان عبور می کردند، و از حاصلی به حاصلی، و زراعتی به زراعتی نشسته، چنان می خوردند که گویا هرگز در آن زمین حبه و دانه کاشته و سبز نشده بود. حتی چمن زارهای بیلاقات و قشلاقات آن سرزمین را باقی نگذاشته که دواب و غنم احشامات و دهات به کلی از پا درآمدند، و احتمال دارد بعد از این هم واقع بشود. العلم عند الله القادر. (نور الانوار، ص ۱۰۳ - ۱۰۴).



«عدالت ظاهریه فرنگی‌ها» از علایم ظهور

نویسنده متن بالا، یعنی علی اصغر بروجردی که کتابش را در سال ۱۲۷۵ ق یعنی قریب ۵۰ سال پیش از مشروطه (۱۳۲۴ ق) منتشر کرده، در جایی از ظهور کفار و طرح «عدالت ظاهریه» برای فریب مسلمانان و امرای آنان یاد کرده و معلوم است که مطالبی از غرب و فرنگی‌ها از هند یا ایران به گوشش خورده است.

بروجردی علامت پنجاه و یکم از علایم ظهور را «فروگرفتن کفر... عالم را» می‌داند و چند تفسیر برای آن ارائه می‌دهد. در یک مورد اشاره‌اش به تسلط استعمار فرنگی بر مسلمانان یا ایجاد نزدیکی با دول اسلامی با روش‌های خاص است؛ روش‌هایی که «عدالت ظاهریه» هم در آن جایگاهی دارد.

تفسیر دوم او از تسلط همه‌جانبه کفار به عنوان علامت زمان ظهور، این است: «آنکه کفار مسلط بر همه عالم شوند، خواه یک فرقه باشند یا طوایف متعدده مختلفه باشند، زیرا الکفر ملة واحدة. و تسلط کفار می‌شود بر عالم به قهر و غلبه و جبر باشد و می‌شود، یا به دوستی و یگانگی با اهل اسلام باشد در قواعد دولتی و دنیوی، که مسموع القول و مقبول الکلمه باشند. آنچه خواهند بتوانند بجا بیاورند، به زور یا به رو یا به پول. و شاید مردم اهل اسلام مایل به ایشان شوند، به جهت اظهار نمودن ایشان عدالت ظاهریه را در میان مردم به جهت جذب قلوب عامه ناس از عوام و خواص، به هر نحوی که ممکن باشد، اگرچه خیالات بعیده در ضمن این اطوار و گفتار و کردار نیک یافت شود، و به این سبب هر تصرفی که خواهند در اقطار عالم نمایند و قوی و امین و مطاع و بزرگ شوند، و در امور عامه محل شوری و صلاح شوند، بلکه بدون رضای ایشان امر عمده واقع

نشود، مگر آنکه به اختیار ایشان نباشد. پس سوارگردن‌ها شوند، و مردم اهل دنیا به جهت اغراض نفسانیه دنیویه دنییه و شهوات شیطانیه عنیده خود را در زیر علم منصوب به ایشان داخل نمایند یا به جهت طمع دنیا یا به جهت خوف یا به جهت امن و امان، بلکه بسیاری از مسلمانان به دوستی ایشان فخر و مباهات در میان مردمان نمایند (نور الانوار، ص ۱۵۰).



کتابی به خط احساسی در خانه سید کاظم رشتی

کتاب مبارک جوامع الکلم از اجوبه مسائل من تصنیفات الموید من عند الله الامجد الاوحد الشیخ احمد اعلی الله مقامه و رفع فی الدارین اعلامه که این فقیر مشهدی محمد مقدس به زحمت زیاد تحصیل نموده‌ام به وجه گزاف به جهت اینکه خط مبارک آن بزرگوار است و در کربلای معلی در کتابخانه مرحوم حاجی سید محمد کاظم رشتی - اعلی الله مقامه - در مبلغ سه تومان هدیه نموده‌ام. لعنت خدا به هر که سرقت کند یا بگیرد و رد نکند ۱۳۶۰ [؟ ۱۲۶۰] (مجلس ۱۲۸۴۴).

رساله جدول معرفت تواریخ در سنه ۹۶۱ نوشته شد

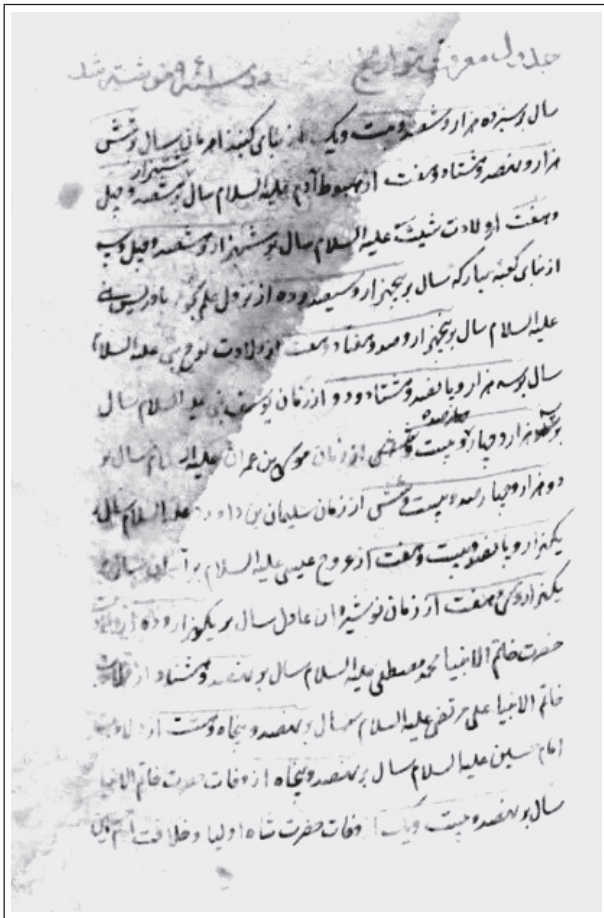
مقدمه: متن زیر یاد از شماری وقایع تاریخی از قدیمی‌ترین دوران تا روزگار نویسنده این متن است. نویسنده این متن را در سال ۹۶۱ هجری نوشته و تاریخ رویدادهای قدیم تا عصر نزدیک به خود را بر این اساس محاسبه کرده است؛ برای مثال در ذکر حادثه کربلا و شهادت امام حسین (ع) می‌نویسد: «سال بر نهصد از وفات حضرت امام حسین (ع)» بدین ترتیب تمام وقایعی را که بیان



کرده می‌بایست از سال ۹۶۱ به آن طرف محاسبه کرده باشد. نمونه دیگری یاد از جنگ شاه اسماعیل در فیروزکوه با حسین چلاوی [حاکم منطقه خوار قدیم] با این تعبیر است «سال بر پنجاه و یک از توجه جنت مکانی به طرف فیروزکوه» که سال ۹۱۰ می‌شود. تعبیر «سال بر» بر سر تمام این رویدادها آمده است که می‌توان آن را «در سال» معنا کرد. شاید بین این رویدادها، نکته تازه‌ای نباشد؛ اما از این بُعد که روش تازه‌ای در ثبت زمان رویدادهاست، قابل توجه است. رویدادهای از هبوط آدم، تا تولد حضرت رسول (ص) و امام علی (ع) و از آنجا شماری از حوادث به صورت عبوری تا واقع چنگیز و تیمور، و سپس برخی از رویدادهای دوره ترکمانان و در نهایت به صورت جزئی تری برخی از وقایع دوران شاه اسماعیل و طهماسب آمده و آخرین واقعه مربوط به سال ۹۴۰، بیست و یک سال پیش از سال تألیف این رساله کوچک (سال ۹۶۱) است.

متن این رساله در نسخه‌ای با شماره ۳۴۵۱ در کتابخانه مجلس آمده است. در این مجموعه رسائلی مانند ادعیه به جهت دفع امراض، طب الرضا (ناقص)، فواید طبی، تفسیر دوازده آیه از تورات،

رساله تکسیر حروف، المدخل فی اعمال الجفرو شذور الذهب و از جمله همین جدول معرفت التواریخ آمده که در صفحات ۸۸ تا ۹۰ قرار دارد. بیشتر رساله‌های این نسخه به یک خط، شاید خط مؤلف است. در رساله تکسیر حروف، قید شده است که در عهد شاه طهماسب نوشته شده، و همانجا نسب شاه طهماسب را هم بر اساس آنچه بعد از این شهرت یافته آورده است (ص ۶۱-۶۲). این احتمال وجود دارد که قرار گرفتن این رساله در این مجموعه که رسائلی در جفرو علوم غریبه است، ارتباط این روش از تاریخ‌گذاری را با علوم مزبور نشان دهد. در این باره باید تحقیق کرد.



متن رساله جدول معرفت التواریخ

[دوره قدیم]

سال سیزده هزار و ششصد و بیست و یک از بنای گنبد اهرمان. سال برشش هزار و نهصد و هشتاد و هفت از هبوط آدم (ع). سال برشش هزار و ششصد و چهل و هفت از ولادت شیث (ع).

آینه پژوهش ۲۰۳
سال ۳۴، شماره ۵
آذر و دی ۱۴۰۲

سال برشش هزار و هشتصد و چهل و سه از بنای کعبه مبارکه، سال برپنج هزار و سیصد و ده از نزول علم نجوم به ادریس نبی(ع)، سال برپنج هزار و صد و هفتاد و هفت از ولادت نوح نبی(ع)، سال بر سه هزار و پانصد و هشتاد و دو از زمان یوسف نبی(ع)، سال بر سه هزار و چهارصد و بیست و دو از زمان موسی بن عمران(ع)، سال بر دو هزار و چهارصد و بیست و شش از زمان سلیمان بن داود(ع)، سال بر یک هزار و پانصد و بیست و هفت از عروج عیسی(ع) بر آسمان، سال یک هزار و سی و هفت از زمان نوشیروان عادل.

[دوره اسلامی]

سال بر یک هزار و ده از ولادت حضرت خاتم الأنبیا محمد مصطفی(ص)، سال بر نهمصد و هشتاد از ولادت خاتم الأنبیا علی مرتضی(ع)، سال بر نهمصد و پنجاه و هشت از ولادت امام حسین(ع)، سال بر نهمصد و پنجاه از وفات حضرت خاتم الأنبیا، سال بر نهمصد و بیست و یک از وفات حضرت شاه اولیا و خلافت امام حسین و حسن علیهما السلام، سال بر نهمصد از وفات حضرت امام حسین(ع)، سال بر هشتصد و شصت و هفت از وفات امام زین العابدین(ع).

[ایران اسلامی]

سال بر هفتصد و نود و شش از بنای شهر تبریز در مرّه اول، سال بر سیصد و شصت و دو از ظهور چنگیزخان، سال بر دو بیست و شصت و پنج از گذشتن هلاکوخان، سال بر صد و هشتاد و نه از ظهور امیر تیمورخان در بلخ، سال بر صد و پنجاه و هشت از آمدن امیر تیمور در مرتبه ثالث به تبریز و رفتن به شام و حلب، سال بر صد و چهل و چهار از واقعه امیر تیمور و جلوس میرزا شاهرخ به آذربایجان و مقابل نمودن با میرزا اسکندر در نواحی سمنان، سال بر صد و یازده از وفات میرزا شاهرخ، سال بر نود و هشت از توجه میرزا جهان شاه به خراسان، سال بر نود و پنج از وفات امیر خلیل و جلوس امیر شیروان شاه، سال بر نود و یک از توجه میرزا جهان شاه به بغداد و واقعه میرزا پسر بوداق، سال بر هشتاد و نه و کسری از توجه میرزا جهان شاه به جانب دیار بکر و آمدن حسن بیک و قتل میرزا جهان شاه، سال بر هشتاد و چهار از توجه حسن بیک به طرف روم و آمدن سلطان محمد چلبی و قتل اهل روم، سال بر هشتاد و یک از توجه حسن به گرجستان، سال بر هفتاد و نه از واقعه حسن بیک و جلوس سلطان خلیل و قتل او و جلوس یعقوب بیک، سال بر شصت و نه و کسری از واقعه ارشاد پناهی شاه حیدر علیه الرحمه، سال بر شصت و پنج از واقعه یعقوب بیک و جلوس میرزا بایسنقر، سال بر پنجاه و نه از وفات رستم بیک و جلوس احمد بیک بر تخت تبریز.

[دوره صفوی]

سال بر پنجاه و پنج از توجه فردوس مکانی شاه اسماعیل به جانب شیروان و قتل امیر شیروان، سال بر پنجاه و چهار و کسری از توجه جنت آشیانی به تبریز و قتل ترکمانان در موضع شرور و جلوس

بر تخت تبریز. سال بر پنجاه و دو از توجّه مغفرت دستگاہی به جانب عراق و قتل ترکمان. سال بر پنجاه و یک از توجّه جنت مکانی به طرف فیروزکوه و قتل [حسین] کیا [چلاوی]. سال بر چهل و پنج و کسری از توجه فردوس آشیانی به جانب خراسان و قتل شیبیک خان در مرو و جلوس در تخت هرات. سال و چهل و یک و کسری از محاربه با اهل روم در موضع چالدروم [کذا]. سال برسی و دو و کسری از وفات مغفرت دستگاہی شاه اسماعیل و جلوس حضرت شاه زمان ثانیة العدل و الاحسان ابوالمظفر شاه طهماس بهادرخان - خلد الله ملکه و سلطانه. سال برسی و یک از توجه شاه زمان به عراق و محاربه با کپک [سلطان]. سال برسی از توجه شاه به سلطانیه و قتل کپک، و قشلاق در قزوین. سال بر بیست و نه از توجه شاه به خراسان و محاربه با ازبک. سال بر بیست و هشت از توجه شاه به بغداد و قتل ذوالفقار و قشلاق در قزوین. سال بر بیست و هفت از توجه شاه به خراسان و فرار نمودن ازبک و عود شاه به عراق و قشلاق در اصفهان و قتل چوهه سلطان. سال بر بیست و شش از توجه شاه به جانب تفلیس و فرار نمودن اولامه و قشلاق در تبریز. سال بر بیست و پنج از توجه شاه به خراسان و فرار نمودن عبید، و قشلاق در هرات. سال بر بیست و چهار از آمدن ابراهیم پادشاه به تبریز و عود نمودن در مرتبه دوم. سال بر [رفتن] سلطان صاحب قران به عراق. سال بر بیست و دو و از آمدن خواندگار به درگزین و عود نمودن به دیاربکر و قشلاق شاه در تبریز. سال بر بیست و یک از توجه شاه به خراسان و فرار نمودن عبید و رفتن شاه به مرو.

تاریخ درگذشت محمد شاه قاجار

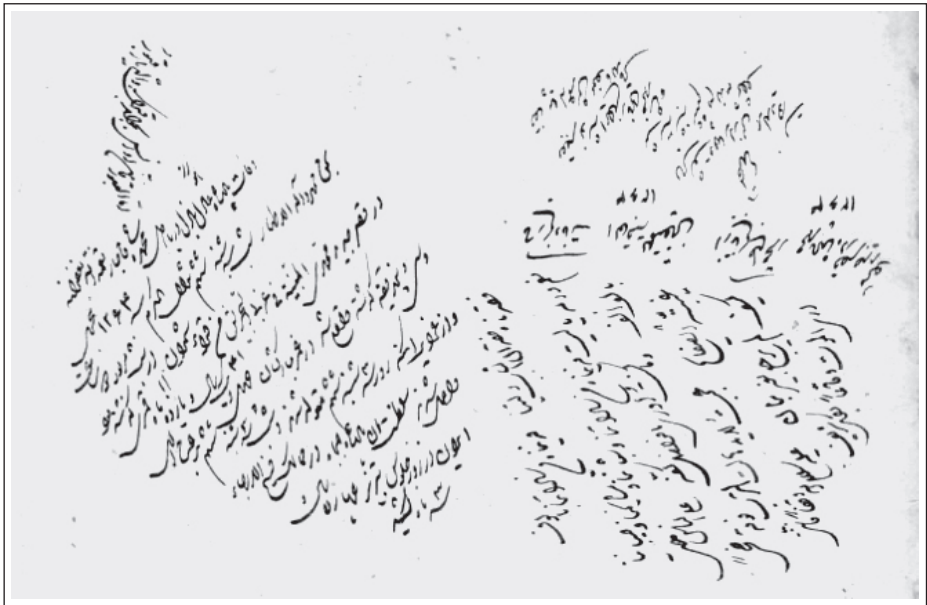
در صفحه پایانی نسخه شماره ۸۹۵۱ مجلس این مطلب آمده است:

وفات پادشاه عادل باذل دریادل محمد شاه قاجار تغمده الله بغفرانه بحق محمد و اله الاطهار شب سه شنبه ششم شوال المکرم سنه ۱۲۶۴ بحمل در قصر جدید محمدی المبنیة فی غربی التجریش من قریة شمیران در شب مزبور دو ساعت و سی و پنج دقیقه گذشته واقع شد. از عمر مبارکشان ۴۱ چهل و یک سال و یازده ماه قمری گذشته بود، و از غرایب اینکه روز سه شنبه ششم متولد شدند و شب سه شنبه ششم برحمت الهی واصل شدند. سلطنت آن پادشاه جمجاه در ممالک فسیح الارحاء ایران از روز جلوس تبریز چهارده سال و سه ماه کشید.

تاریخ وفات: العاقبة للمتقین (۱۲۶۴)، از نتایج طبع محرر: محمد پادشاه در قصر جدید مرد (۱۲۶۴).

لمحررها:

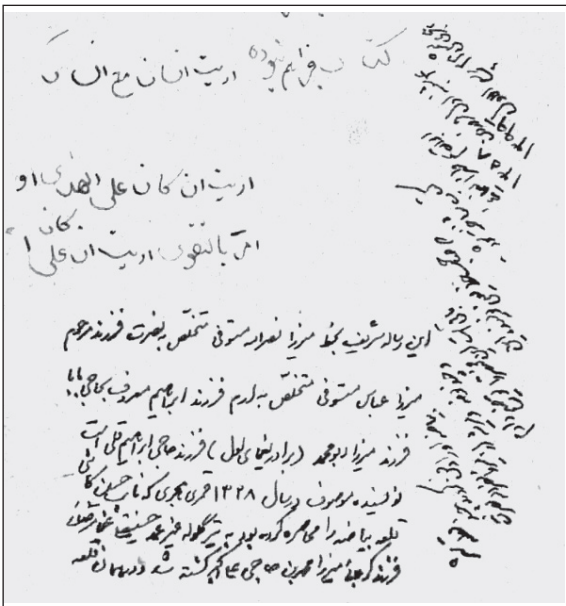
بسال شصت و چهار از پس هزار و دو بیست
شب سه شنبه ششم هم از مه شوال
به قصر نو شه ایران زمین محمد شاه
قضا پیا... عمرش نمود مالامال



یادداشتی از ابوالقاسم طغری یغمایی

این رساله شریفه به خط میرزا نصرالله مستوفی متخلص به نصرت، فرزند مرحوم میرزا عباس مستوفی متخلص به ارم فرزند ابراهیم معروف به حاجی بابا فرزند میرزا محمد (برادر یغمای اول) فرزند حاجی ابراهیم قلی است. نویسنده موصوف در سال ۱۳۲۸ قمری هجری که نایب حسین کاشی قلعه بیاضه را محاصره کرده بود، به تیرگوله غیرعمد حسینی نقلی غلامرضایی فرزند کربلایی

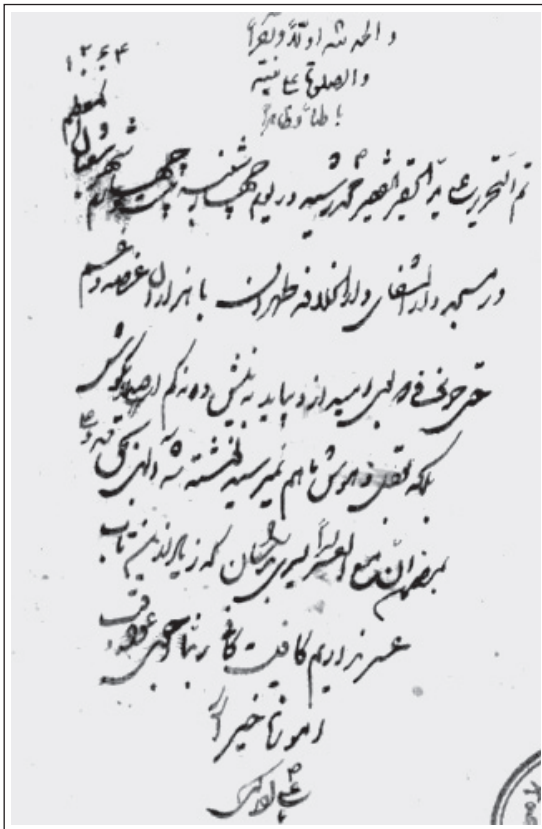
میرزا محمد بن حاجی علی اکبر کشته شد، و در همان قلعه بیاضه او را دفن کردند. چند قطعه شعر و چند نوحه و مرتیبه از میرزا نصرالله نصرت باقی است. این مختصر را توضیح دادم که صاحب خط یعنی نویسنده این کتاب شناخته شود. ابوالقاسم طغری یغمایی ۴ شنبه اول فروردین ۱۳۵۸ هجری شمسی ۲۳ ربیع الاول ۱۳۹۹. (یادداشت پشت نسخه ۱۸۱۰۱ مجلس)



استکتاب برای رفع غم و غصه از سال ۱۲۶۴ق

بسیاری از اوقات، کارهای علمی و امور نزدیک به آن برای رهایی از غم و غصه روزگار بوده است؛ مثل این کاتب بیچاره که این یادداشت را در سال ۱۲۶۴ق که رساله‌ای ملاحظه‌کننده استکتاب کرده، نوشته است:

تم التحریر علی ید الحقیق الفقییر محمد رشید در یوم چهارشنبه بیست و چهارم شهر شعبان المعظم ۱۲۶۴ در مسجد دارالشفای دار الخلافه طهران با هزاران غصه و غم حتی حرفی که بوی امید از وی بیاید، نه بیش و نه کم، اصلاً بگوش بلکه به عقل و هوش ما هم نمی‌رسید، نوشته شد. الاهی بحق محمد و علی به مضمون ان مع العسر یسر، یسری برسان که زیاد از این تاب عسر نداریم، کافیهست کافی، ربنا اجعل عواقب امورنا خیرا. یا علی ادرکنی (نسخه ش ۱۷۱۶ مجلس).



یادداشتی از زنجان سال ۱۳۳۷ ق

مجموعه‌ای از رسائل دینی که مفصل‌ترین آن صلواتیه‌ای است بنام محمدولی میرزای قاجار و صبیبه اکبر او «خانم جان خانم» در سال ۱۲۴۰ کتابت شده است. نسخه در اختیار شخصی به نام ضیاءالدین زنجانی بوده و یادداشت‌هایی از سال ۱۳۳۷ - ۱۳۳۸ ق روی صفحه اول آن آمده است.

در میان «هر شب ماه صیام ۱۳۳۷» و سپس دعا. و در آخر:

حزّره الاحقر فی دار الخلافة الطهران فی شهر الصیام ۱۳۳۷ اللهم اغفر لنا و لوالدینا و لجمیع المومنین و المومنات بحق محمد و آله الاطهار سلام الله علیهم و انا العاصی الجانی ضیاءالدین الزنجانی

۲ محرم ۱۳۳۸ با متعلقین قم مشرف شدیم. ۱۲ از قم مراجعت ۱۴ وارد طهران، ۱۴ صفر از طهران مراجعت و حرکت به طرف ولایت. ۲۳ صفر وارد زنجان. دهم ذی قعدة همین سال والده مساعد السلطنه... دوران وفات کرد. اللهم اغفر لها. مسافرت چهارمی من به طهران ۸ ربیع الاول ۱۳۳۷ به طهران و مراجعت ۲۳ صفر ۱۳۳۸ ۱۶ ماه و ۱۵ یوم ایاب و ذهاب طول کشید الاحقر ضیاءالدین

حضرت... استان اسعدالدوله یک روز پیش از وفاتش انشاد کرده است:

اسعد الله از ره احسان	یک قناتی نموده است روان
تا خورد آب آن صغیر و کبیر	لعن گویند بر یزید شعیبانیان
اسعد الدوله از راه احسان	یک پیل ساخت در زنجان
تا تدردد کند خلیق از او	اجر او را دهد خدای جهان

فائده: این آب از دو قنات سرچشمه و مرحوم حاجی سید بهاءالدین منیر است. اللهم اغفره. بمحمد و آله الاطهار صلی الله علیهم.

